

گزارش همایش " معمای قفقاز: راهبرد امنیت روسیه در قفقاز "

در تاریخ ۹ اسفند ماه سال ۱۳۸۷ " مرکز اجتماعی و سیاسی روسیه " با همکاری بنیاد " رزا لوکزامبورگ " همایشی تحت عنوان: " معمای قفقاز: راهبرد امنیت روسیه در قفقاز " را برگزار نمود.

اولین سخنران همایش آقای " اژدر کورنف "، کارشناس ارشد علمی موسسه مطالعات راهبردی روسیه، در خصوص " مناقشه گرجستان و اوستیای جنوبی و تاثیر آن بر روسیه "، اظهار داشت:

اگرچه شش ماه از حوادث اگوست سال ۲۰۰۸ گذشته اما این حوادث هنوز از خاطره‌ها پاک نشده است. این حادثه سال‌ها در حال رشد و نضج گرفتن بود. استدلال مورخین گرجستان این است که در قلمرو این کشور فقط گرجی‌ها زندگی می‌کرده‌اند و اکنون نیز فقط گرجی‌ها حق زندگی در آنجا را دارند. همچنین آنها معتقدند که ساکنین اوستیای جنوبی به خواست و تمایل حاکمان گرجستان در قلمرو فعلی اوستیای جنوبی اسکان داده شدند و قبلاً در این منطقه زندگی نمی‌کردند. در سال ۱۷۷۴ اهالی اوستیای جنوبی که مردمی صحرا نشین بودند از کاترین دوم درخواست کردند تا به عضویت روسیه درآیند. در سال ۱۹۹۲ در مورد استقلال و عضویت جمهوری اوستیای جنوبی در ترکیب روسیه فراندومی در این جمهوری برگزار شد و در آن پنجاه و شش درصد مردم به عضویت در ترکیب روسیه رای دادند. آنها حتی " استالین " را اهل اوستیای جنوبی و نه گرجستان می‌دانند.

وی سپس به عدم وجود معادن و ذخایر هیدروکربور در اوستیا جنوبی، توسعه و تجهیز ارتش گرجستان در سال‌های اخیر و درگیری‌های نظامی میان آنها با اوستیا جنوبی در سال‌های ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ اشاره کرد. ایشان عکس العمل روسیه نسبت به اشغال اوستیا جنوبی را غیر قابل انتظار و مسئولیت آن را بر عهده گرجستان دانست. از

طرفی وی عدم شناسایی اوستیا جنوبی و آبخازیا را بی اهمیت خواند و گفت: مقامات کرملین اعتقاد دارند که پس از رفع بحران مالی موجود، کشورهای دیگر، استقلال اوستیای جنوبی را به رسمیت خواهند شناخت. "اژدر کورتف" در مورد وابستگی مالی اوستیای جنوبی در زمان شوروی به این کشور و در حال حاضر به روسیه گفت: هم اکنون حدود شصت درصد از بودجه اوستیای جنوبی از طریق اوستیای شمالی تامین می‌گردد و روسیه تمایل دارد به اوستیای جنوبی در توسعه جاده‌ها و راه آهن این منطقه کمک نماید. البته به دلیل بحران مالی اخیر، این کار را بعید دانست و چشم انداز حضور مستقل اوستیای جنوبی در صحنه بین‌المللی را بسیار مبهم توصیف کرد.

دومین سخنران همایش آقای "دنکا خلیدوف"، معاون رئیس موسسه علمی مسائل ژئوپلیتیک با اشاره به سابقه تاریخی قفقاز، این منطقه را تحت قیمومیت امپراطوری‌های فارس و عثمانی دانست و گفت: در زمان پطر کبیر، قفقاز به عضویت روسیه درآمد. وی سیاست شوروی را که کوچ مردم این منطقه به دیگر جمهوری‌ها بود باعث خاموش شدن مناقشات در قفقاز و برقراری آرامش دانست و افزود بعد از فروپاشی و بازگشت مهاجرین به مناطق بومی خود، این مناقشات همانند آتش زیر خاکستر شدت گرفتند. آقای خلیدوف، طرح تمدن بزرگ قفقاز یا ملت کبیر قفقاز را موضوعی دانست که به افراط‌گرایی منجر می‌شود. ایشان همچنین پروژه "خانه قفقاز" در سال‌های دهه ۱۹۹۰ را که در آن گرجستان، جمهوری چچن، آذربایجان و بعدها ارمنستان با یکدیگر متحد می‌شدند، رد کرد و گفت: غرب در حال ایجاد یک "حائل امنیتی" پیرامون روسیه است که از دریای بالتیک تا مرزهای جنوبی آن امتداد دارد. آمریکایی‌ها پیشنهادات و پروژه‌های خاصی برای توسعه اقتصادی مناطق قفقاز ندارند. اما سعی می‌کنند روابط اقتصادی قفقاز را با روسیه قطع کنند. من اعتقاد راسخ دارم که راهبرد غرب برای مردم قفقاز راهبردی مهلک است و در این راستا می‌توان به جهت گیری‌های یک‌جانبه برخی از مناطق قفقاز نسبت به آمریکا که نتیجه خود را نشان داده است، اشاره کرد. البته روسیه هم سیاست مشخصی در قفقاز ندارد. عکس‌العمل روسیه نسبت به حمله نظامی گرجستان به اوستیای جنوبی نیز نشان‌دهنده سیاست واحد نخبگان حاکم بر روسیه نسبت به این مناقشه نیست. این کشور نیاز به تدوین سیاست واحد و هماهنگی در قفقاز دارد. بایستی نقش سازمان‌های اجتماعی و غیر دولتی را در قفقاز افزایش داد. در حال حاضر ایران، ترکیه و روسیه پیشنهادات مهمی در زمینه حل مشکلات

قفقاز ارائه می‌نمایند که از جمله آنان می‌توان به برنامه توسعه ارتباطات و کنترل قلمرو قفقاز اشاره کرد.

سومین سخنران همایش آقای "سرگئی مارکیدونوف"، رئیس بخش مشکلات روابط بین ملیت‌ها در موسسه تحلیل سیاسی و نظامی روسیه در خصوص "تروریسم در شمال قفقاز و روسیه: چالش و جستجوی پاسخ"، اظهار داشت:

مفهوم تروریسم با خراب‌کاری تفاوت دارد. مفهوم تروریسم "راهزنی" نیست. به خاطر دارم که "ولادیمیر پوتین" در ملاقات با نمایندگان سرویس‌های ویژه روسیه، تروریست‌ها را با نمایندگان مخفی و یا راهزنان مقایسه می‌کرد. این درست نیست. همه چیز را نبایستی با همدیگر مخلوط کرد. در فوریه ۲۰۰۶ عملیات ضد تروریستی روسیه در جمهوری چچن به اتمام رسید. در حال حاضر تهدید تروریستی برای روسیه از جمهوری‌های داغستان و اینگوش برمی‌خیزد. که نمایندگان حکومت داغستان با آن مبارزه می‌کنند ولی مسئولین رسمی حکومت روسیه آن را عملیات ضد تروریستی نمی‌نامند. باید حامیان تروریست‌ها و ایدئولوژی آن‌ها را شناخت و همچنین خواسته‌های ایشان را بررسی کرد. وی قومیت‌گرایی را یکی از مظاهر بروز مناقشات در قفقاز خواند و افزود:

جمهوری چچن از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ بطور مستقل در صحنه جهانی حضور داشت و در این سال‌ها عملیات تروریستی زیادی اتفاق نیفتاد. پس از ورود نیروهای روسی به جمهوری چچن، انجام عملیات تروریستی نیز آغاز شد. عملیات تروریستی توانست کشور ابرقدرت هسته‌ای را به زانو در بیاورد. البته روسیه بعدها توانستند مشکلات جمهوری چچن را تا حدی حل نمایند. از طرفی اسلام رادیکال (وهابی‌ان و سلفیان) و دیگر مبارزات ملی و مذهبی از مظاهر بروز مناقشات می‌باشند. در تحلیل این مسائل در جمهوری‌های قفقاز به این نتیجه می‌رسیم که حاکمین قفقاز حکومت خود را خصوصی سازی نموده و اکثر کارگزاران آنها رشوه می‌گیرند. ادارات دینی مسلمانان و مفتیان نیز در این برنامه‌ها و اقدامات مشارکت دارند. مردم نیز ناظر بر مساله‌اند و می‌بینند مبلغین جوان و افراط‌گرا به قفقاز می‌آیند و از وضعیت موجود سوء استفاده می‌کنند. مبلغین به مردم قول‌های بسیاری داده و مردم نیز به حرف‌های آنها گوش می‌دهند ولی نمی‌دانند که مبلغین می‌خواهند از آنها در اهداف خود استفاده کنند.

" احمد غدیرف " رئیس جمهوری چین بجای پنج بار نماز، پنج بار در روز از ولادیمیر پوتین نخست وزیر روسیه تعریف می کند. این تعریف و تمجیدها باعث نزدیکی جمهوری چین به روسیه نمی شود. هم اکنون دانشجویان موسسه ما می گویند که این قفقازی ها چه می خواهند آنها دانشگاه های ما را پر کرده اند، اینجا روسیه است، قفقاز نیست. اسلام گرایی بعنوان یک پروژه جایگزینی برای قفقاز مطرح بوده و خواهد بود. پروژه های مسیحیت ارتدکس و یا پروژه های روسی در جایگاه های بعدی قرار دارند. متأسفانه روسیه پروژه هایی که تامین کننده آداب، سنن، فرهنگ و هویت ملی قفقاز باشد را به این منطقه پیشنهاد نمی کند. عدم وجود سیاست واضح و مشخص روسیه در قفقاز، عدم وجود پروژه های هویت ملی و سیاسی روسیه در قفقاز، باعث بوجود آمدن مبانی تروریسم در قفقاز شده و اوضاع قفقاز در آینده وخیم تر خواهد شد. مسئولین روسیه مشکل مالی را مطرح می کنند اما این ها همه حرف است. من آماده ام تا رایزنی کنم، پیشنهاد بدهم، ولی کسی حرف ما را گوش نمی دهد. من معتقدم باید با سازمان های اسلامی مستقر در قفقاز گفتگو کرد. نمایندگان این گونه سازمان ها تا قوانین روسیه را نقض نکرده اند، بایستی با آنها گفتگو انجام داد.

چهارمین سخنران همایش آقای " ولادیمیر یفسییف "، کارشناس ارشد علمی مرکز امنیت بین الملل موسسه اقتصاد جهانی و روابط بین الملل روسیه در اهم سخنان خود چنین اظهار داشت:

۱. شش ماه از حوادث اگوست سال ۲۰۰۸ می گذرد، روسیه در این مدت جمهوری های اوستیای جنوبی و آبخازیا را به رسمیت شناخت و پایگاه های نظامی خود را در آنجا باز کرد. کشتی های آمریکایی به منظور انتقال کمک های انسان دوستانه در دریای سیاه حضور یافتند.

۲. ترکیه هفتاد و شش میلیون نفر جمعیت دارد و از نظر جمعیت مقام دوم را پس از روسیه دارد. همچنین از نظر تعداد نظامیان مقام سوم را پس از روسیه و ایران دارد.

۳. در بحران مالی اخیر، پروژه های اقتصادی آذربایجان و گرجستان در زمینه ساخت راه آهن بین تفلیس و باکو متوقف شده است. سازمان همکاری های اقتصادی دریای سیاه نیز بسیاری از پروژه های اقتصادی خود را متوقف نموده است.

۴. وضعیت موجود در قفقاز باعث شده است تا ایران پنجره‌ای برای ارتباط ارمنستان با دیگر کشورهای جهان گردد. ایران از طریق لوله گاز به ارمنستان، گاز صادر می‌کند.

۵. آمریکایی‌ها پس از جنگ در عراق و افغانستان تمایلی به درگیر کردن نیروهای نظامی خود در قفقاز ندارند.

۶. آذربایجان در حال حاضر حالت بی‌طرفی خود را حفظ کرده و تمایلی به شرکت در "کاسفور" (پروژه روسی) و "نگهبان خزر" (پروژه آمریکایی) ندارد.

۷. سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، نیروهای دسته جمعی واکنش سریع را تشکیل داده‌است و معلوم نیست در کجا از این نیروها می‌خواهند استفاده کنند. هر مناقشه‌ای که در منطقه قفقاز پیش بیاید، قزاقستان از آذربایجان و روسیه از ارمنستان حمایت خواهند کرد. اما ازبکستان، قرقیزستان و بلاروس باقی می‌مانند. هدف از تشکیل این نیروها و محل استفاده از آنها اصلاً مشخص نیست.

همچنین وی بیان داشت: گاهی مطالبی در مورد گرایش ارمنستان به آمریکا می‌شنویم، من فکر می‌کنم که این‌ها فقط حرف است. ارمنستان ناچار به همکاری با روسیه می‌باشد زیرا که روسیه پل ارتباطی ارمنستان با جهان خارج است. آمریکا نمی‌تواند جایگزین روسیه شود. البته درست است که ارمنستان از طریق ایران با جهان ارتباط دارد، ولی این کافی نیست.

همچنین اعتقاد دارم تا ثبات روابط روسیه و گرجستان، صحبت در مورد تامین امنیت در قفقاز بی‌مورد است. باید "پیمان قفقاز" ایجاد گردد تا بتواند امنیت را در این منطقه تامین نماید. از طرفی تامین امنیت در قفقاز بدون ایران امکان پذیر نیست حضور ایران در "پیمان قفقاز" بعنوان ناظر لازم است و در این راستا روسیه علاقمند به همکاری با ایران در قفقاز است.

۸. فکر نمی‌کنم، روابط ایران و آمریکا در آینده نزدیک بهبود یابد. علی‌رغم اعلام تمایل آمریکا برای مذاکرات با ایران، هیچ‌کس در آمریکا تمایلی به صحبت با ایران تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در این کشور را ندارد.

۹. اکنون ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه از قدرت خاصی برخوردار نیست. ناوگان دریایی ترکیه در این دریا از بیشترین قدرت برخوردار است و کاملاً اوضاع را کنترل می‌نماید و

تنها ترکیه است که اجازه می‌دهد کدام کشتی از دریای سیاه عبور کند و کدام کشتی حق عبور ندارد.

پنجمین سخنران همایش آقای "پتر لینکه"، رئیس شعبه بنیاد "رزا لوکزامبورگ" در مسکو در سخنرانی خود تحت عنوان: "ابعاد فرهنگی بحران قفقاز"، اظهار داشت: جنگ‌های قفقاز باعث بوجود آمدن یک وجهه منفی از قفقازی‌ها در اذهان مردم روسیه شده است. مسئولین کانال‌های تلویزیونی، فیلم سازان و نویسندگان نیز به ساخت این وجهه منفی کمک می‌کنند. نویسندگان جمهوری چچن در مورد کمبود روابط فرهنگی قفقاز با روسیه مطالب بسیاری می‌نویسند. در گذشته روابط نویسندگان، شعراء و اهل قلم با یکدیگر باعث تحکیم روابط فرهنگی و نژادی بین ملت‌ها می‌گردید. فرهنگ مردم جمهوری‌های چچن و داغستان بدون فرهنگ روسی اصلاً قابل تصور نیست. با توجه به اینکه نمایندگان مختلف نژادی و فرهنگی در یک خانه مشترک در روسیه زندگی می‌کنند، آنها بایستی حداقل به یکدیگر احترام بگذارند. ولی متأسفانه ما شاهد این مطلب نیستیم.

ششمین سخنران همایش آقای "عارف یونسف"، رئیس بخش مناقشه شناسی و مهاجرت در موسسه صلح و دموکراسی (باکو) پیرامون "تاثیر عامل اسلام بر اوضاع سیاسی قفقاز"، اظهار داشت:

عامل اسلام در جمهوری‌های چچن و داغستان (شمال قفقاز) با عامل اسلام در جنوب قفقاز تفاوت دارد. در قرن نوزدهم دو جریان در اسلام بوجود آمد: ۱. طرفداران اسلام ناب، کسانی که اعتقاد داشتند که اسلام را بایستی از چیزهای مدرن پاک نمود و به مبانی آن بازگشت؛

۲. پان اسلامیسیم، نهضتی که رهبران مسلمان برای احیای قدرت اسلام و مسلمانان به راه انداختند. پان اسلامیسیم در واقع خواهان اتحاد مسلمانان از تمام نژادها، فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف تحت لوای اسلام بود. بعدها پدیده پان ترکیسم (وحدت فرهنگی، زبانی و سیاسی تمامی ترک‌ها) بوجود آمد. آذربایجان نیز تحت تاثیر این پدیده‌ها قرار گرفت. در دوران شوروی با اسلام مبارزه می‌کردند و بهمین خاطر روحیات پان ترکیسم در جمهوری جمهوری آذربایجان قدرت خاصی گرفت. آنها می‌گفتند: ما مسلمان و جزء تمدن بزرگ اسلامی هستیم.

در سال‌های ۱۹۹۰ ترجمه کتاب‌های اسلامی به زبان آذری آغاز شد. مبلغین جدیدی که در کشورهای عربی تحصیل کرده بودند به جمهوری آذربایجان آمدند و "وهابیسیم" شروع به رشد کرد. تا سال ۲۰۰۳، در آذربایجان گرایش به ارزش‌های غربی وجود داشت. ولی بعدها غرب در آذربایجان نماد فساد و بسیاری از چیزهای منفی شد (منظورم پدیده‌های منفی است که در ساختار حکومتی وجود دارند). پس از آن شعار امام خمینی "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" در جمهوری آذربایجان مشهور شد. پس از آنکه بر ارزش‌های غربی ضربه وارد شد، نیروهای مخالف غربی نیز در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ نفوذ خود را از دست دادند. هم‌اکنون هر حادثه‌ای که در دنیای اسلام یا خاورمیانه اتفاق می‌افتد در جمهوری آذربایجان عکس‌العمل پیدا می‌کند. اسرائیل به جمهوری آذربایجان کمک‌های اقتصادی و نظامی می‌کند. یک راه مشترک میان آذربایجان، ترکیه و اسرائیل وجود دارد و این سه کشور سعی می‌کنند با یکدیگر در این راه حرکت کنند.

وقتی اسرائیل در سال ۲۰۰۶ به لبنان حمله کرد در جمهوری آذربایجان راهپیمایی‌های زیادی به این خاطر برگزار شد. هرچند در جمهوری آذربایجان هر گونه تظاهرات و راهپیمایی ممنوع است. جنبش‌های اسلامی برای تظاهرات از کسی اجازه نمی‌گیرند، حاکمین هم علاقه‌ای به درگیری با آنها ندارند.

رشد اسلام در میان آذری‌ها نشانه و علامت ناامیدی آنها به ارزش‌های غربی است. اسلام در جمهوری آذربایجان در حال رشد است ولی تعداد کسانی که پایبند به اصول اسلامی باشند (مخصوصاً در میان افراد میان سال و سالمند)، زیاد نیست. البته جوانان و نسل جوان واقعاً به اصول اسلامی پایبند بوده و بسیاری از احکام اسلامی را رعایت می‌کنند. امروزه عامل اسلام برای جمهوری آذربایجان بسیار مهم گردیده است و در آینده نقش خود را ایفاء خواهد نمود. تعداد مساجد جمهوری آذربایجان در حال حاضر هزار و ششصد باب است. صد مسجد تحت کنترل وهابیون و بقیه مساجد خودگردان بوده و تحت کنترل کسی نمی‌باشند. هم‌اکنون مساجد جمهوری آذربایجان تبدیل به باشگاه‌های سیاسی شده‌اند.

در جمهوری آذربایجان تمامی کانال‌ها و رادیوها را بسته‌اند و فقط کانال "سحر" ایران فعالیت دارد. این کانال اسلام را بسیار تبلیغ می‌کند و سیاستمداران جمهوری آذربایجان اگر بخواهند بیانیه‌ای صادر کنند از طریق این کانال ایرانی انجام می‌دهند.

در جمهوری آذربایجان فعالیت‌های سیاسی ممنوع است. در شهر باکو زمانی تصمیم گرفتند که اذان را ممنوع کنند، مردم به مساجد رفتند و همگی با صدای بلند اذان گفتند. دولتمردان کشور از این مطلب وحشت کرده و تصمیم خود را لغو کردند و گفتند که شهردار باکو مقصر است ما اذان را ممنوع نکرده بودیم.

عامل اسلام در گرجستان نیز وجود دارد زیرا در گرجستان، آذری‌ها، چچن‌ها و ترک‌ها زندگی می‌کنند. آبخازی‌ها هم که مسلمان هستند در گرجستان زندگی می‌کنند. اسلام در این جمهوری نقش خاصی را ایفاء نمی‌کند ولی فکر می‌کنم ظرف پانزده _ بیست سال آینده نسل جدیدی در آبخازی یا بوجود آید که اسلام اهمیت خاصی برای آنها داشته و اسلام در آن موقع نقش خود را ایفاء خواهد نمود. اسلام در ارمنستان وجود ندارد زیرا مسلمانی در آنجا زندگی نمی‌کند.

هفتمین سخنران همایش آقای " ایگور کوسیکوف "، کارمند ارشد علمی موسسه قومیت شناسی موسسه علمی علوم روسیه در سخنرانی خود تحت عنوان: " تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی- سیاسی بر سیاست حکومت فدرال در شمال قفقاز"، اظهار داشت: شمال قفقاز از نظر اقتصادی و امنیتی منطقه بسیار مهمی برای روسیه است. این منطقه امنیت روسیه را تعیین می‌کند. حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت روسیه و نیز تامین امنیت اقتصادی این کشور بستگی به شمال قفقاز دارد. در این منطقه حدود چهل قوم مختلف زندگی می‌کنند. قدرت‌های برتر جهان سعی می‌کنند وضعیت اقتصادی خود را در منطقه دریای خزر و دریای سیاه مستحکم کنند.

در شمال قفقاز بیکاری زیاد است. مناطق شمال قفقاز از بودجه فدرال یارانه دریافت می‌کند. عامل توسعه اقتصادی شمال قفقاز بستگی به منابع و ذخایر داخلی دارد زیرا سرمایه‌گذاری‌های خارجی بعلت عدم ثبات اوضاع در این منطقه رشدی ندارند و کسی حاضر به سرمایه گذاری نیست. حکومت روسیه مالیات‌های استان‌های شمال قفقاز را در توسعه مناطق خود استفاده می‌کند.

اهالی شمال قفقاز علاقه‌ای به کار در کارخانه‌ها ندارند و بیشتر به مناطق مرکزی روسیه مهاجرت می‌کنند و در آنجا به کارهای تجاری و واسطه‌گری می‌پردازند و یا به گروه‌های جنایتکار می‌پیوندند.

هفده میلیون نفر روس ساکن این مناطق کم کم مهاجرت کرده و آنجا را ترک می‌کنند. وضعیت بد اقتصادی و ملی‌گرایی از دلایل مهاجرت آنها است. حکومت روسیه بایستی اهداف و برنامه‌های خود را در شمال قفقاز کاملاً مشخص کند. جلوگیری از بروز مناقشات باید در صدر کارها باشد. با توجه به بحران مالی اخیر، پرداخت یارانه‌ها در سال جاری به مناطق قفقاز کاهش خواهند یافت و موجب پیدایش مشکلات بیشتری در این منطقه خواهد شد؛ در این رابطه "الکسی کودرین" وزیر دارایی روسیه نیز اعلام کرده است که مقدار یارانه‌ها به استان‌ها و مناطق پیشرفته کاهش یافته و آنها را در اختیار استان‌ها و مناطقی قرار خواهند داد که وضع آنها زیاد خوب نیست.

کمبود کار و فقدان شغل در جمهوری چچن باعث شده است تا مردم با مبارزین همکاری کنند، زیرا مبارزین پول‌های خوبی پرداخت کرده و قول‌های بسیار نوید بخشی به آنها می‌دهند. جوانان چچن هم که در دوران جنگ (با نیروهای فدرال روسیه) بزرگ و تربیت شده‌اند یا زبان روسی بلد نیستند یا اصلاً تمایلی به کار کردن ندارند.

هشتمین سخنران همایش خانم "والنتینا چره واتنکو"، رئیس و هماهنگ کننده اتحادیه "زنان دن" در منطقه قفقاز در گزارشی از فعالیت‌های اتحادیه اظهار داشت: ما فعالیت‌های خود را در پروژه‌هایی، چون "زنان دن بدون جنگ و خشونت" تعریف کردیم و در آنها توجه خاصی به مشکلات مهاجرین داشتیم. نمایندگان دومای کشوری و سیاستمداران مناطق و استان‌های مختلف روسیه در این پروژه‌ها مشارکت داشتند. در سال ۱۹۹۵ نمایندگان اتحادیه ما به جمهوری چچن رفتند و تلاش داشتند تا زنانی را پیدا کنند که بتوانیم با آنها همکاری کرده و پروژه‌های مختلف را اجراء کنیم. در سال ۱۹۹۶ نمایندگان اتحادیه ما در یافتن اجساد سربازانی که در جنگ کشته شده بودند، همکاری کردند. علاوه بر آن به آزادی اسرای جنگی نیز می‌پرداختیم. ما مخالف اعمال تروریستی بودیم که در جمهوری داغستان و دیگر شهرهای شمال قفقاز اتفاق می‌افتاد.

در همین ارتباط همایش‌های مختلفی تحت عنوان کلی "زنان، خواهان زندگی بدون جنگ و خشونت هستند" را برگزار کردیم. به زنان بیمار کمک کرده و سعی می‌کنیم علت این بیماری‌ها را بشناسیم. ما توانستیم با زنان شمال قفقاز همکاری کنیم و هیچ وقت امید خود را از دست نداده‌ایم، خوشبین بودیم و در هر چیز به نکات مثبت آن نگاه می‌کردیم.

خانم واتنکو در ادامه به تضعیف موقعیت زنان در شمال قفقاز در پانزده سال گذشته اشاره کرد و اصرار بر حجاب زنها در برخی از سازمان‌های دولتی و یا جلوگیری از معاشرت دختران و پسران نامحرم و تنبیه آنان در صورت دوستی با یکدیگر را از مصادیق آن دانست. در پایان وی افزود: تمامی این مسائل با اطلاع " احمد غدیرف " رئیس جمهور چین انجام می‌شود.

مجتبی کرمی

دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران - مسکو